



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



تاریخ: 02.06.2019

وطن دوست

## "ملیشیای مقاومت" یا اجیران امریکا

ادامه بحث با جناب محترم روستار م. تره کی صاحب

یک خواهش دوستانه از محترم تره کی صاحب:

لطفاً مقاله علمی و تحلیلی آقای محترم محمد ولی دهستانی صاحب را در همین وبسایت بخوانید. یقین دارم که بیشتر به شیوه اکادمیک شما سازگار و قابل قبول شما واقع خواهد گردید.

مباحثه در رابطه با طالبان با شخص شما محترم خیلی مشکل است، زیرا از یک طرف طوری وانمود می کنید، که یک تحلیل علمی از وقایع کشور عزیز ما ارائه می فرمائید، اما از جانب دیگر تحلیل های شما جانبدارانه و در راستای دفاع از طالبان میباشد.

از نظر من یک تحلیلگر مسائل سیاسی باید تا حد امکان واقعیت های عینی را بیطرفانه تحلیل و تجزیه نماید. اما شما محترم نصف واقعیت های عینی کشور را که به نفع طالبان است، ابراز می نمائید و نصف دیگر آنرا کتمان می کنید. اگر رُک و راست و صادقانه موقف تانرا از طرفداری یک دولت دستنشانده طالبانی برملا سازید، موقف همه ما روشن میشود. اما شما می خواهید که دو تریوز را در یک دست بگیرید/ که امکان ندارد. با همه، کوشش میکنم، در رابطه با نکات مهم مقاله تان نظریاتم را بنویسم.

استدلال شما محترم:

آنهایی که منافع شان در اشغال افغانستان تأمین میشود، علیه طالبان پروپاگند استخباراتی میکنند و همه جنایات را به پای طالبان قلمداد میکنند.

نظر من درین رابطه:

این یک تاکتیک معمول استخبارات جنگیست، که هر دو طرف منازعه از آن استفاده میکند. اصل حقیقت را تنها آنهایی میدانند در آتش جنگ میسوزند. تنها مردم مظلوم افغانستان میداند، که کدام زمان توسط طیاره های امریکائی بمباردمان میشوند، و چه وقت توسط طالبان دختران شان سنکسار میشوند، فرزندان شان اختتام یا اسیر گرفته میشوند، یا توسط حملات انتحاری کشته میشوند. مکاتب شان از طرف کی آتش زده میشود و غیره جنایات را کی ها به حق شان روا میدارند.

طوریکه که دیده میشود، بعد از هر حمله انتحاری، که بزرگترین کشتار را از افراد ملکی میگیرد، طالبان قرار اظهارات سخنگوی شان مسئولیت 90 در صد این حملات را به دوش خود میگیرند و بقیه را داعش.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

**استدلال شما محترم:**

تمام مقاومت های ضد استعمار (ویتنام، الجزایر، مجاهدین افغان) از کشور های دیگر کمک دریافت کرده اند، پس طالبان نیز اجازه دارند از دیگران کمک اخذ نمایند.

**نظر من درین باره :**

جنگ های آزادی بخش ویتنام علیه امریکا، از الجزایر علیه فرانسه یا از افغان های غیور علیه شوروی مثال های خیلی خوب اند، که شما محترم یاد آور شده اید، زیرا با گروه طالبان از چندین نگاه تفاوت فاحش دارند:

اول، قیام های مسلحانه نامبرده هر کدام قیام های مردمی بوده اند، که از جانب اکثریت مطلق مردمان همان کشور حمایت میشدند. طالبان این حمایت مردمی را ندارند.

دوم، تفاوت مهم دیگر بین طالبان و قیام های مسلحانه متذکره اینست، که آنها ضد اشغالگران می جنگیدند، اما طالبان علیه مردم خود می جنگند.

تفاوت خیلی مهم سوم، قوای مقاومت در تمام کشور های جهان کمک های شانرا از رقیبان منطقوی یا جهانی قدرت اشغالگر میگرفتند/ میگیرند. طالبان توسط همپیمانان قدرت اشغالگر و یا خود اشغالگر حمایت و کمک میشوند.

هیچ عقل سالم و منطق انسانی قبول کرده نمی تواند، که پاکستان و عربستان سعودی که همپیمانان امریکا میباشند، در عین زمان به دشمنان امریکا اسلحه توضیح کنند و آنها را در خانه خود جای دهد. و امریکا مقابل این تخطی 18 سال تمام کمترین عکس العمل نشان ندهد.

**استدلال شما محترم**

طالبان در ابتدا یک پروژه ستراتیژیک - ژئوپولیتیک غربی ها و مسلمانان بود، اما با مرور 20 سال اینها از تضاد بازیگران منطقوی و جهانی استفاده خوب کرده اند و پالیسی موفق داشته اند.

جهت افغانی ساختن جنگ استعمار علیه مردم افغانستان از 2014 به بعد تحریک طالبان در بعضی جبهات زیر پوشش لوژستیک و تسلیحاتی امریکا قرار گرفت.

**نظر من درین رابطه:**

بلی

آقای تره کی صاحب، من نیز ادعای دیگری ندارم، جز چیزیکه شما در بالا مینویسید: طالبان از همان ابتدا یک پروژه امریکائی بود، که با کمک مالی امریکا/عربستان سعودی مسلح و در پاکستان مستقر ساخته شدند. از 2014 به این طرف برای اینکه امریکائی ها جنگ افغانستان را در ظاهر شکل افغانی داده باشند و عساکر خود را عقب بکشند، جبهه اجیران افغانی را که عبارت از طالبان است، علیه مردم افغانستان باز کردند، تا کشتار مردم را از بمباردمان های وحشیانه امریکائی به انتحاری های وحشیانه طالبان تبدیل نمایند.

**استدلال شما محترم:**

**وابستگی طالبان بعد ازینکه به قدرت برسند از پاکستان تمام میشود.**

**نظر من:**

اول اینکه طالبان تنها به پاکستان وابسته نیستند، بلکه به بآدار پاکستان وابسته اند، و دیگر اینکه، در چهار- پینج سال حکومت طالبان گرچه امریکا و شرکا افغانستان را اشغال نکرده بودند، اما نفوذ پاکستان در حکومت طالبی به اندازه بود، که حتی رهبران طالبان تابع امر آنها بودند.

چون شما محترم به طالبان خوشبینی دارید، از آنها یک تصویر ایدآل به مردم ارائه می نمائید که با واقعیت های عینی که مردم افغانستان (چه در دوران حکومت شان و چه لاقلاً از 10 سال به اینطرف) با طالبان تجربه میکنند، زمین تا آسمان تفاوت دارد. در مناطق تحت نفوذ طالبان عین ظلم را که در دوران حکومت خود بالای مردم روا میداشتند، حالا نیز ادامه میدهند - کشتار دستجمعی مردم ملکی، سنگسار زنان، اعدام ها و محاکمه های صحرائی، گرفتن جزیه از مردم، منع رفتن دختران به مکتب، تغییر نصاب درسی به نفع ایدیولوژی اسلام سیاسی و دور نگهداشتن شاگردان از تحولات در جهان علم، تخنیک و صنعت و پرتاب شان به عصر حجر، تخریب زیربنا های اقتصادی مردم، تخریب آثار فرهنگی و تاریخی کشور ما.....

**دلایل دیگری که وابستگی طالبان را با امریکا ثابت میسازد:**

عقل سالم انسان پذیرفته نمیتواند، که در زمانش 2001 سه هزار عسکر امریکائی با چند بال پیاره های بی 52، بسته یک دولت طالبانی + القاعده را در ظرف چهار هفته تار و مار کند، اما از 18 سال به اینطرف 42 قدرتمند ترین کشور های جهان قادر نباشند که مقاومت یک مُشت طالب پای لچ را درهم بشکنند - در حالیکه طالبان در یک کشور همپیمان امریکا دیره انداخته است. اگر امریکا بخواهد، در خود پاکستان میتواند، مواضع شانرا بمباردمان

کند، رهبران شانرا اسیر بگیرد یا از بین ببرد - چنانچه بن لادن را که دیگر به درد شان نمیخورد، در قلب پاکستان از بین بردند؛ چنانچه بارها قصابات و مواضع مقاومت پشتون های آنطرف سرحد را با طیاره های بی پیلوت خود بمباردمان نموده، به اصطلاح با یک تیر دو هدف را حذف کرده اند: یکی خوشخدمتی به حکومت پاکستان و دیگری نسل کشی پشتون ها را در هر دو طرف سرحد. منطق سالم انسان پذیرفته نمیتواند، که در جنگ دوم جهانی فقط چهار کشور در یک ائتلاف ( روسیه، انگلیس، امریکا، فرانسه) در ظرف دو سال یک قدرت بزرگ جهانی مانند جرمنی آنزمان را نیست و نابود کند، اما از 18 سال به این طرف زور یک ابر قدرت + 42 کشور قدرتمند جهان به یک مُشت طالبان نرسد؟ اینکه رهبران طالبان اینجا و آنجا در زندان های پاکستان انداخته میشوند یا کشته میشوند، چیز تازه در روابط قدرت های استعمارگر با اجیران شان نیست. زمانیکه تاریخ مصرف اجیران به اتمام میرسد، یا از اوامرتمول کننده خود سر باز میزنند، به زباله دانی پرتاب میشوند یا نابود ساخته میشوند. به گفته آلمان ها، "کسیکه با شیطان پیمان می بندد، از عاقبت آن نیز واقف است".

### موفقیت "ملیشیای مقاومت"

این موفقیت "ملیشیای مقاومت" علیه امریکا نیست، که در مجالس بین المللی با "خالق" و تمویل کننده خود چانه زنی میکنند. این بازی "یکی تگ میشود و دیگری تگمار" است. یک مُشت اجیران به حامی و تمویل کننده خود شرط میگذارد، که گویا اگر تو عساکرت را از افغانستان بیرون کنی، برایت اطمینان میدهم، که به **منافع مردم امریکا** ضرر نمیرسانیم. باز هم به گفته آلمانها، "حتی پشک را ازین نوع گپ ها خنده میگیرد". اما واقعیت های که درین بازی "تگ و تگمار" نهفته ست، شما محترم آنرا کتمان میکنید: امریکا از تمام کشور های اشغال شده، بعد از سرکوب مردم آن کشور، امضای قرارداد های دیکته شده با دولت دستنشانده، ایجاد پایگاه های نظامی با مسقر ساختن یک تعداد عساکر برای روز مبادا، بقیه نیرو های خود را بیرون میکشند و به دیگر نقاط مورد نظر شان میفرستند (اگر طالبان بخواهند یا نخواهند). امریکا درین 18 سال تمام این کار هایش را توسط اجیران نکتائی پوش خود به اتمام رسانید. حالا نوبت اجیران ریشدار و لنگوته پوش آنها رسیده است، که پرده دوم این تراژیدی را مراقبت و **منافع مردم امریکا** را تضمین نمایند.

### پرده دوم این تراژیدی

حالا که امریکای اشغالگر مطمئن شده است، که دیگر رَمَق در توان مردم افغانستان باقی نمانده و تا چندین نسل آینده دوباره به حال نمی آیند، یعنی خطر یک قیام عمومی مانند زمان تجاوز شوروی علیه امریکا وجود ندارد، زمان آن رسیده، که به اجیران ریشدار و لنگوته پوش خود نیز دستمزد زحمات شانرا بپردازد و در حکومت دستنشاده خود سهم شان سازد - چنانچه به اجیران نکتائی پوش خود در تمام این مدت دستمزد خدمات شانرا میپردازد.

پرده دوم این تراژیدی تازه دارد، آغاز میشود. بعد از به قدرت رسانیدن طالبان نوبت تاراج سیستماتیک معادن افغانستان میرسد. معادن ما را توسط نیروی انسانی ما (افغان های فقیر ساخته شده) با پرداخت یک مزد بخور-نمیر استخراج خواهند کرد. نسل ها افغان در تونل های معادن خاک و خون خواهند خورد، در اطراف همان معادن تولد و همانجا خواهند مُرد و بلاخره زمانیکه دیگر هیچ چیزی برای تاراج باقی نماند، زمین سوخته، آب های مسموم شده با مواد شیمیائی و فضای آلوده تر از آنرا برای مردم افغانستان واگذار خواهند شد. این صحنه وحشتناک از مغز مریض من بیرون نیامده، بلکه یک واقعیت عینی ست، که استعمار گران غربی به کرات در اکثریت کشور های قاره آفریقا، تجربه کرده اند.

### نتیجه گیری:

محترم تره کی صاحب، کاش طالبان در تبنای با امریکا مردم افغانستان را همه روزه از تیغ نمیکشیدند؛ کاش یک نیروی مقاومت واقعی مردم افغانستان میبودند. مردم افغانستان بارها ثابت کرده اند، که با دادن قربانی های که از تصور انسان بالاست، به فرزندان خود در جنگ علیه استعمار کمک کرده اند و آنها را در جبهات تنها نگذاشته اند. متأسفانه نه جنگسلازان که 65 هزار کابلی را از تیغ کشیدند و جهاد برحق مجاهدین اصیل این کشور را دزدیدند، نه طالبان که در تبنای با امریکا مردم عوام کشور خود را هدف قرار میدهند، لیاقت نام "مجاهد" یا "ملیشیای مقاومت" را ندارد. از همین لحاظ هر دوی شان از حمایت مردمی برخوردار نیستند و مردم از آنها متنفر اند.

و یک نکته جانبی دیگر: در حالیکه در نوشته قبلی ام مؤدبانه از شما محترم خواهش کردم، که مقصد تانرا برابم از گذاشتن علامه های ندایه و سوالیه (وطن دوست!؟) مقابل نام مستعار من تشریح نمایند، علاوه بر اینکه به

خواهش من جواب ندادید، این مرتبه نام مرا (هیواد دوست) می نویسید. این نوع لجاجت به سن و سال و به درجه تحصیلات شما نمی زیبد.

با احترام فایقه

وطن دوست

\* جملات با رنگ آبی نقل قول های به مفهوم اند.

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ